

مقاله پژوهشی: اهداف آمریکا در جنگ با عراق (۲۰۰۳) با تطبیق در دو مقطع زمانی قبل و بعد از آن

[20.1001.1.20084897.1400.19.85.14.9](https://doi.org/10.1001.1.20084897.1400.19.85.14.9)

هادی مرادپیری^۱، محمدرضا کمالی^۲، افشین مرادی^۳، مهدی هادیان^۴، مجید اسدی^۵، حسین مهربانی^۶

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

چکیده

متعاقب حمله به برج‌های سازمان تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، سیاست خارجی آمریکا دچار چرخشی اساسی از راهبرد بازدارندگی (۱۹۹۰-۱۹۴۵) و ابهام راهبردی (۱۹۹۰-۲۰۰۱) به راهبرد حمله «پیش‌دستانه» و جنگ «پیشگیرانه» گردید. آمریکا برای حمله به عراق بر مسئله جنگ‌افزارهای ویژه کشتار جمعی انگشت گذاشت و بر این نکته تأکید کرد که عراق نه تنها رژیم صهیونیستی و دیگر هم‌بیمانان آمریکا را در منطقه تهدید می‌کند، بلکه منافع حیاتی آمریکا در غرب آسیا را به خطر می‌اندازد. با این حال، اندیشه (پسا نظم نوین جهانی) دیدگاهی تکاملی در قیاس با (نظم نوین) است که سمت‌گیری سیاست خارجی ایالات متحده را تهاجمی و رادیکال و مبتنی بر راهبرد (حمله پیش‌دستانه) یا (جنگ پیشگیرانه) نموده است که خود به رهنامه خاصی در عرصه سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد. در این تحقیق، دیدگاه‌ها و نظریات آمریکا در جنگ با عراق ۲۰۰۳ با تطبیق در دو مقطع زمانی قبل و بعد از آن بررسی می‌گردد. نوع تحقیق کاربردی توسعه‌ای با حجم نمونه ۲۰ نفر به صورت تمام شمار و هدفمند انجام شده است. برای دستیابی به دیدگاه‌های (پارادایم) آمریکا با استفاده از آمار و پارامترهای توصیفی (آزمون کای دو) به تأیید عوامل احصاء شده اقدام گردید. ساقط کردن رژیم بعث که از مدت‌ها پیش، از نفوذ مستقیم آمریکا خارج شده بود، جلوگیری از ظهور و نیز کنترل قدرت‌های رقیب در صحنه سیاست بین‌الملل با اتکا بر رویکرد "نظامی محور"، تلاش برای تحقق هژمونی آمریکا، کامل نمودن محاصره سیاسی و نظامی ایران و فشار جهت خودداری از حمایت محور مقاومت توسط جمهوری اسلامی ایران، از نتایج این پژوهش است. در حمله آمریکا به عراق علاوه بر کشتار بی‌رحمانه مردم عراق (نظامی و غیرنظامی) تعداد کثیری از نیروهای نظامی خودش کشته شد و از لحاظ اقتصادی هم با صرف حدود یک تریلیون دلار، ضربه بزرگی به اقتصاد و بودجه آمریکا وارد شد. از لحاظ مدیریت صحنه عملیات هم با خشونت‌ها و بی‌رحمی نظامیان آمریکا علیه رزمندگان آمریکا مبنی بر دموکراسی و حقوق بشر، چهره تنفرآمیز و خشونت‌آمیز آمریکا برای سازمان‌های بین‌المللی و جهان نمایان گردید. همچنین به‌کارگیری سلاح‌های اورانیوم ضعیف شده، فسفر سفید و بمب خوشه‌ای عدم پایبندی آمریکا به قوانین و مقررات بین‌المللی را ثابت کرد. در نهایت آمریکا به علت اشتباه محاسباتی در راهبردها با وضعیت نامساعد و ناخوشایندی عراق را ترک کرد.

واژگان کلیدی: اهداف، آمریکا، عراق، الگو، جنگ عراق، راهبرد و دکترین

^۱. استادیار علوم دفاعی راهبردی دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام)

^۲. استادیار علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

^۳. دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) Moradi_A@yahoo.com

^۴. دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

^۵. دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

^۶. دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

حادثه ۱۱ سپتامبر، ظرف ۲۰۰ سال گذشته در ایالات متحده، حادثه‌ای بی سابقه معرفی شد؛ چراکه در آن سال‌ها نه تنها به خاک ایالات متحده، حمله جدی نشده بود، بلکه تهدید مهمی هم در میان نبود. آمریکا در ۱۱ سپتامبر در کمتر از یک ساعت بیش از یک‌دهم جنگ ده‌ساله ویتنام کشته داد. تحت تأثیر این حادثه در همان ساعت‌های اولیه به دلیل نفوذ لابی صهیونیسم در ارکان جامعه آمریکا، اولین تیرهای اتهام به سوی مسلمانان و اعراب نشانه رفت. فضای آمریکا به شدت ضد اسلامی و به خصوص عربی شد. جورج بوش، اسلام و مسلمانان را متهم ساخت و حادثه ۱۱ سپتامبر را «آغاز مجدد جنگ‌های صلیبی» نامید، هشت کشور جهان و ۲۰ سازمان حامی تروریست‌ها و مقصد مقابله معرفی شدند که غالب آن‌ها مسلمان بودند. حادثه‌ای که حمله به افغانستان و عراق را به دنبال داشت و بسیاری از نگرش‌ها و سیاست‌های کلان جامعه بین‌المللی را تغییر داد. واشنگتن توانست افکار عمومی را با سناریوی ۱۱ سپتامبر همراه سازد و با استفاده از کنترل رسانه‌ای خود افکار عمومی مردم را به سمت خواسته‌های خود سوق دهد. متعاقب حمله به برج‌های سازمان تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، سیاست خارجی ایالات متحده دچار چرخشی اساسی از راهبرد بازدارندگی (۱۹۹۰-۱۹۴۵) و ابهام راهبردی (۱۹۹۰-۲۰۰۱) به راهبرد حمله «پیش‌دستانه» و جنگ «پیشگیرانه» گردیده است. برخورد آمریکا با عراق بر پایه همین راهبرد صورت پذیرفت. آمریکا برای حمله به عراق بر مسئله جنگ افزارهای ویژه کشتار جمعی انگشت گذاشت و بر این نکته تأکید کرد که عراق نه تنها رژیم صهیونیستی و دیگر هم‌پیمانان آمریکا را در منطقه تهدید می‌کند، بلکه منافع حیاتی آمریکا در غرب آسیا را به خطر می‌اندازد. در واقع، این مسئله را می‌توان همان جهانی‌سازی آمریکایی و یا آمریکایی‌سازی جهانی دانست. به گونه‌ای که کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا می‌گوید: «ما می‌خواهیم بدانیم که چه کشورهایی بر له یا علیه ارزش‌های ما، یعنی دموکراسی، دموکراسی اقتصادی و حقوق فردی مردان و زنان در قرن جاری هستند. ملت‌هایی که خواهان این ارزش‌ها هستند، آمریکا از آن‌ها حمایت خواهد کرد». اهمیت این پژوهش در این است که بخشی از ابهامات صحنه جنگ آینده مرتفع و چشم‌اندازی از واقعیت‌های آن ارائه خواهد شد، توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری آمریکایی‌ها، شناسایی و مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، سناریوهای احتمالی تهاجم آمریکایی‌ها بررسی شده و محتمل‌ترین آن شناسایی می‌شود. در مورد ضرورت این پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

احتمال غافلگیری در سطوح مختلف راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی در جنگ احتمالی آینده، افزایش می‌یابد. جهت‌دهی به منابع، متناسب با نیازهای عملیاتی واقعی صحنه جنگ صورت نمی‌پذیرد و در نتیجه موجب ائتلاف منابع می‌گردد. بنابراین آنچه به‌عنوان مسئله این تحقیق محسوب می‌شود و در واقع آنچه پرسش‌آغازین این تحقیق را شکل می‌دهد، این است که: «اهداف و پیامدهای جنگ آمریکا در منطقه غرب آسیا از طریق بررسی تطبیقی جنگ آمریکا در عراق (۲۰۰۳)، در دو مقطع زمانی قبل و بعد از آن چیست؟»

مبانی نظری

- پیشینه تحقیق:

۱- احمد خادم حسینی و محسن خوشدل امامی در سال ۱۳۹۱ در فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت نظامی به تبیین نقش عوامل محیط داخلی در اعمال جنگ پیشگیرانه آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق موارد ذیل را از میان عوامل اثرگذار در این مقوله بیان می‌کند: ۱- اعمال تحریم‌های گسترده و طولانی علیه عراق بر اثر صدور قطع‌نامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل ۲- ناتوانی و ضعف ارتش عراق برای مقابله با تهاجم آمریکا و فقدان روحیه و اراده برای جنگیدن ۳- حمایت ضعیف مردم عراق از حکومت و ارتش در برابر تهاجم خارجی ۳- نارضایتی شدید اکثریت مردم از حکومت صدام و حزب بعث ۴- اهمیت سیاسی و نظامی ضعیف و ناقص حزب بعث بر سرزمین و فضای عراق ۵- وابستگی شدید صنایع نظامی عراق به خارج از کشور ۶- تأثیرگذار نبودن عراق بر اقتصاد جهانی ۷- ناکارآمدی حکومت بعث عراق در اداره مردم و کشور عراق ۸- حمایت علنی گروه‌های معارض عراقی از مداخله بیگانگان در تهاجم نظامی جهت سرنگونی حکومت صدام.

۲- دانشجویان دوره‌های شانزدهم دفاع ملی و دوم سیاست دفاعی دانشکده عالی دفاع ملی در سال ۱۳۹۱، در پژوهشی تحت عنوان نقد و بررسی دکترین جنگ پیشگیرانه و احتمال اعمال آن علیه ج.ا.ایران (مطالعه موردی افغانستان و عراق)، در نتایجی اعلام می‌دارند اقدامات نظامی انجام‌یافته تحت عنوان جنگ پیشگیرانه، دارای ماهیتی ترکیبی بوده که با استفاده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی و در نهایت نظامی به دنبال باز پردازش فرآیند شکل‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای، به‌گونه‌ای است که؛ منافع مشترک و ملی کشورهای ائتلاف و به‌ویژه ایلات متحده آمریکا را تأمین نماید. همراهی عملی سایر قدرت‌های جهانی (روسیه،

چین، فرانسه و ...) که با یکدیگر در حال رقابت هستند، با این‌گونه اقدامات ائتلافی نیز، به‌منظور تضمین منافع ملی آنان در جهان آینده می‌باشد. این نکته نیز قابل تأمل است که با توجه به بهانه‌های اجرایی شدن این دکترین (تروریسم، افراط‌گرایی، اصول‌گرایی اسلامی و جنگ‌افزارهای کشتار جمعی) هدف حمله می‌تواند بازیگران دولتی و یا غیردولتی باشند.

۳- مطالعه تطبیقی جنگ‌های اخیر آمریکا شامل جنگ سال ۱۹۹۱ علیه عراق، جنگ در یوگسلاوی سابق، جنگ علیه افغانستان و جنگ سال ۲۰۰۳ علیه عراق و تعیین الگوی رفتاری دشمن پروژه‌ای است که توسط ابوطالب کیاپاشا و حسین مهرابی در سال ۱۳۹۲، چارچوب رفتاری آمریکایی‌ها در تهاجم نظامی احتمالی علیه ج.ا.ایران بررسی نموده و ویژگی‌های رفتاری نیروهای هوایی، زمینی و دریایی آمریکا را برمی‌شمرد.

— مفهوم شناسی:

بررسی تطبیقی

روش‌های تطبیقی روش‌های مبتنی بر مقایسه دو یا چند گروه، دو یا چند جامعه و حتی دو یا چند فرد است که موضوع مقایسه‌اند. علاوه بر این، مقایسه می‌تواند بین ویژگی‌های خاص گروه یا جامعه یا فرد، در زمان‌های مختلف صورت گیرد. (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۱۷۷) به عبارت دیگر «مطالعه تطبیقی یکی از روش‌های پژوهش کمی و کیفی است که در آن دو یا چند متغیر یا فرایند همگون که می‌توانند نمونه‌ها و موارد محسوس یا نامحسوس باشند، بررسی می‌شوند؛ با این هدف که با توصیف و تبیین اشتراک‌ها و اغلب تفاوت‌ها، بتوان آن پدیدارها را شناسایی کرد و به تفسیرها و احتمالاً تعمیم‌های تازه دست یافت. (کریشن، ۱۳۷۴: ۴۰)

در مطالعات تطبیقی، صرف مقایسه کردن هدف نیست بلکه از کشف موارد تشابه و اختلاف باید به ملاک تشابه یا اختلاف رسیده شود و بر اساس آن مسئله‌ای حل شود.

در مطالعات تطبیقی، باید ابتدا مقایسه پذیری مواردی که قصد بررسی آن‌ها را داریم اثبات شود. الف و ب در چه شرایطی منطقاً قابل مقایسه هستند؟ و به عبارت دیگر: مقایسه در چه شرایطی اثربخش است؟ یافتن یک ضلع مشترک میان مواردی که قصد تطبیق آن‌ها را داریم، قدم اول در فرآیند عملیاتی تطبیق است. این ضلع مشترک می‌تواند یکی از موارد یازده‌گانه فوق باشد.

(قراملکی، ۱۳۸۸: ۳۱۲-۲۸۰)

موقعیت راهبردی و ژئواستراتژیک عراق

عراق با سابقه تاریخی و خاستگاه تمدن‌های مختلف، وجود منابع عظیم آب و ذخایر فراوان انرژی، وجود خاک حاصلخیز، خاستگاه ایدئولوژیک، داشتن نقش حائل و دروازه، دارا بودن نقش دروازه بانی میان جهان عرب و غیر عرب از جمله امتیازاتی هستند که موقعیت ژئواستراتژیک عراق را ارتقا می‌بخشند. عدم دسترسی مناسب عراق به آب‌های آزاد و نیاز آن به همسایگان و همچنین وضعیت طبیعی و نداشتن ابزارهای دفاع طبیعی در مقابل همسایگان و نیز عدم عمق استراتژیک از جمله تنگناهای ژئواستراتژیکی و ضعف این کشور به شمار می‌آیند. عراقی‌ها با درک این واقعیت سعی کرده‌اند با تقویت بنیه نظامی خود به عنوان یک قدرت در صدد رفع این معضلات و تنگناهای ژئواستراتژیکی برآیند.

مشکل ژئواستراتژیکی عراق در دوران صلح می‌تواند از طریق ایران حل و فصل شود. ایران می‌تواند با فراهم آوردن شرایط برای عراق در خلیج فارس به شکل ترانزیت و با ارائه تسهیلاتی، این کشور را از این بن‌بست در حوزه خلیج فارس خارج کند.

همچنین این کشور در مرکز خاورمیانه واقع شده و مانند پلی آفریقا را به آسیای مرکزی و جنوبی متصل می‌کند. کشور عراق به دلیل قرار گرفتن در تقاطع سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و مسیر شرق به غرب از موقعیت استراتژیکی خاصی برخوردار است. این کشور با داشتن دشت‌ها و زمین‌های حاصلخیز و آب‌های فراوان پیوسته در معرض تاخت و تاز بوده است. وجود منابع نفتی و همسایگی با خلیج فارس و همچنین قرار گرفتن در همسایگی کشورهای غیر عرب (ایران و ترکیه) بر اهمیت استراتژیکی آن افزوده به طوری که همواره مورد توجه ابرقدرت‌ها بوده است. (معاونت اطلاعات راهبردی سپاه، ۱۳۹۶: ۶)

جنگ آمریکا با عراق در سال ۲۰۰۳

حمله آمریکا به عراق در حالی صورت گرفت که شورای امنیت سازمان ملل متحد به دولت عراق هشدار داد که اگر همکاری لازم را برای مسئله تسلیحات کشتار جمعی خود به عمل نیاورد، پیامدهای وخیم برای آن خواهد داشت. این موضوع مستلزم آن بود که شورای امنیت سازمان ملل متحد مجدداً تشکیل جلسه داده و همکاری دولت عراق را ارزیابی نماید و آنگاه اگر تشخیص دهد که بغداد کوتاهی کرده است، مجوز اقدام نظامی را صادر کند؛ اما آمریکایی‌ها پس از ناکامی در اخذ مجوز حمله از شورای امنیت، به دولت عراق اولتیماتوم داد که از قدرت کناره‌گیری نموده و یا اینکه با عملیات نظامی آمریکا مواجه شود. با خودداری صدام از کناره‌گیری، عملیات نظامی

شروع و ۲۱ روز بعد با سقوط بغداد، جنگ خاتمه یافت. این عملیات با تکیه بر دکترین «جنگ پیشگیرانه» که کاملاً در تعارض با اصول حقوق بین‌الملل بود انجام شد و به دلیل عدم مشروعیت بین‌المللی به خاطر فقدان مجوز سازمان ملل متحد با مخالفت گسترده جامعه بین‌المللی متشکل از دولت‌ها، ملت‌ها و افکار عمومی جهانی (به طوری که به شکل بی‌سابقه‌ای در بیشتر شهرهای جهان تظاهرات ضد جنگ برپا شد) روبرو شد. (کرمی، ۱۳۸۲: ۴۷) جنگ در ساعت ۳۵ دقیقه بامداد ۲۰ مارس ۲۰۰۳ آغاز شد و عملیات هوایی در ۱۶ روز از ۲۱ روز جنگ و عملیات زمینی در طول ۲۱ روز صورت گرفت. (سازمان جغرافیایی ن.م، ۱۳۸۲: ۲۸)

اهداف سیاسی جنگ

وزیر دفاع آمریکا در مورخه ۸۲/۱/۱ در پنتاگون، برخی اهداف آمریکا از حمله به عراق را به شرح زیر برشمرد:

سرنگونی رژیم صدام از طریق ضربه زدن به این رژیم در حجم و وسعت زیاد تا اینکه مردم عراق متوجه شوند رژیم عراق و صدام حسین به مرحله پایانی خود رسیده است. تعیین و مشخص نمودن مکان‌هایی در عراق که در آن‌ها سلاح‌های کشتار جمعی وجود دارد و از بین بردن آن‌ها.

جستجوی تروریست‌هایی که در عراق پناه گرفته‌اند و دستگیری و اخراج آن‌ها.

جمع‌آوری اطلاعاتی که به آمریکا پیرامون شبکه‌های تروریستی در عراق و خارج آن کمک کند. جمع‌آوری اطلاعات درباره شبکه‌های بین‌المللی تجارت سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشد. (معاونت اطلاعات آجا)

برای این جنگ، اهداف متعدد و دیدگاه‌های زیادی بیان شده است و در تحلیل‌های متعدد داخلی و خارجی، از آن‌ها سخن به میان آمده است. عمده اهدافی که تحلیل‌گران داخلی و برخی از تحلیل‌گران خارجی بر آن تکیه کرده‌اند، عبارت‌اند از: (سلیمی، ۱۳۸۲: ۱۰۵-۱۰۱)

تلاش برای تحقق هژمونی نفتی آمریکا.

ساقط کردن نظامی که از مدت‌ها پیش، از نفوذ مستقیم آن‌ها خارج شده بود.

رسانیدن پیامی گویا و ملموس به دیگر کشورهای به تعبیر آمریکا سرکش و خارج از قانون.

جلوگیری از ظهور و نیز کنترل قدرت‌های رقیب در صحنه سیاست بین‌الملل با اتکا بر رویکرد نظامی محور.

آزاد نمودن آمریکا از تعهدات حقوق بین‌الملل: با توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل عرفی به گونه مدرن و عینیت یافتن آن در قالب منشور سازمان ملل متحد، استفاده از زور بانام حق ذاتی دفاع از خود، در ماده ۵۱ منشور ملل متحد با قید شرایطی تجویز شده است. این جنگ در واقع قدرت عمل و توانایی ابتکار حقوقی دولت آمریکا را در توجیه حقوقی رفتار خود در عرصه روابط بین‌الملل و در چارچوب توسل به زور، بر اساس دکترین حملات پیش‌دستی کننده فزونی بخشید.

حفظ امنیت رژیم صهیونیستی در برابر خطر احتمالی تهاجم موشکی عراق.

فشار بر سوریه باهدف قطع حمایت از حزب‌الله لبنان و سازمان‌های فلسطین.

کامل نمودن محاصره سیاسی و نظامی ایران و فشار جهت خودداری از حمایت سازمان‌های فلسطینی.

شکل‌دهی ژئوپلیتیک آینده غرب آسیا.

بنابراین می‌توان مهم‌ترین هدف از این جنگ را همان کنترل و هژمونی آمریکایی بر کل جهان دانست که سلطه بلامنازع آمریکا و تک‌قطبی شدن جهان را به دنبال دارد. در واقع، این مسئله را می‌توان همان جهانی سازی آمریکایی و یا آمریکایی سازی جهانی دانست. به گونه‌ای که کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا می‌گوید: «ما می‌خواهیم بدانیم که چه کشورهایی بر له یا علیه ارزش‌های ما، یعنی دموکراسی، دموکراسی اقتصادی و حقوق فردی مردان و زنان در قرن جاری هستند. ملت‌هایی که خواهان این ارزش‌ها هستند، آمریکا از آن‌ها حمایت خواهد کرد.» وی در ادامه، در ۷ فوریه برای ضروری بودن این جنگ، سه استناد را بیان می‌کند:

موفقیت در جنگ با عراق، سبب تغییر بنیادی در خاورمیانه است.

موفقیت در جنگ با عراق، سبب تحکیم و قوام منافع آمریکا خواهد شد.

دستیابی به پیشرفت‌هایی در فرآیند صلح خاورمیانه، از پیامدهای ویژه موفقیت در جنگ خواهد بود.

راهبرد و دکترین نظامی حاکم بر ارتش آمریکا در زمان وقوع جنگ

دکترین امنیت ملی «جورج واکر بوش» بلافاصله پس از حادثه ۱۱ سپتامبر شکل گرفت. وی این دکترین را در دو مرحله زیر اعلام داشت:

بار اول در تاریخ ۲۰ سپتامبر سال ۲۰۰۱ (درست ۱۰ روز پس از حادثه ۱۱ سپتامبر) که طی آن اظهار داشت: «هر کشوری در هر منطقه‌ای، اکنون باید تصمیم خود را بگیرد، یا با ما هستد یا با

تروریست‌ها، از امروز هر کشوری که به تروریسم پناه دهد و یا از آن حمایت کند، از سوی آمریکا به‌عنوان یک رژیم متخاصم شناخته خواهد شد.»

بار دوم در تاریخ ۱۱ دسامبر سال ۲۰۰۱ (۲۱ آذرماه ۱۳۸۰) در مراسم گرامیداشت این حادثه در ستاد فرماندهی دانشکده نظامی چارلستون در کارولینای جنوبی، در مورد مرحله بعدی مبارزه با تروریسم در استراتژی سیاست خارجی و دفاعی آمریکا چنین گفت: «جلوگیری از دستیابی و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی، اولویت بعدی ما در جنگ علیه تروریسم است، دولت‌هایی که این اصول را نقض کنند، به‌عنوان رژیم‌های متخاصم تلقی خواهند شد.»

استراتژی آمریکا، استراتژی ابتکاری بود نه انفعالی. یعنی صدام، حرکت جدیدی انجام نداده بود که آمریکا تصمیم به حذف او گرفته باشد؛ بنابراین این موضوع بر اساس یک نوسازی سیاسی عمومی‌تر در خاورمیانه بود.

پیامدها

۱- طی عملیات اشغال عراق، بیش از ۴۴۱۵ نفر آمریکائی، ۱۷۹ نفر انگلیسی و بیش از صد هزار غیرنظامی عراقی کشته شدند و صدها عملیات چریکی علیه نیروهای اشغالگر صورت گرفت. برخلاف تصور اولیه آمریکائی‌ها، کسی در عراق برای آن‌ها فرش قرمز پهن نکرد. نیروهای اشغالگر آمریکایی با صرف حدود یک تریلیون دلار هزینه عملیات اشغال، خاک عراق را ترک نمودند.

۲- شکست آمریکا در عراق این کشور را با بدترین وضعیت اقتصادی از ۱۳۳۹، از جمله کاهش شدید نرخ اشتغال، افزایش کسری بودجه، رشد بالای بدهی و رکود اقتصادی و سقوط مراکز مالی و اقتصادی کشور که در سپتامبر ۲۰۰۷ جلوه‌ای فزاینده یافت، روبرو گردید، به گونه‌ای که بسیاری از آمریکایی‌ها معتقدند، آنچه آمریکا در دوران جنگ سرد کسب کرده بود، حمله آمریکا به عراق و شکست در این کشور، آن‌ها را از دست داد.

۳- به دنبال اشغال نظامی عراق، ضعف شدید مدیریتی آمریکایی‌ها و تعارض رفتار آن‌ها با آنچه آمریکایی‌ها اعلام کرده بودند که برای گسترش حقوق بشر و دموکراسی به عراق می‌آیند، باعث شد که ساختار امنیتی و دفاعی این کشور از بین برود؛ ناامنی، وحشت، ترس، اضطراب و بی‌ثباتی، بر بسیاری از شهرهای عراق حاکم شد.

۴- افزون بر آن، پیامدهای زیست‌محیطی استفاده از اورانیوم رقیق‌شده که نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد توزیع اورانیوم، به میزان چشمگیری در خاک عراق رخ داده است، بسیار وحشتناک است.

علاوه بر بکارگیری سلاح های ممنوعه علیه غیرنظامیان، از جمله به کارگیری «فسفر سفید»، «اورانیوم رقیق شده» و «بمب خوشه ای»، تخریب آثار فرهنگی و میراث باستانی عراق به صورت بسیار گسترده و برای از بین بردن غرور ملی یک کشور، واقعیت تلخی است که در عراق تحت اشغال دولت آمریکا اتفاق افتاد.

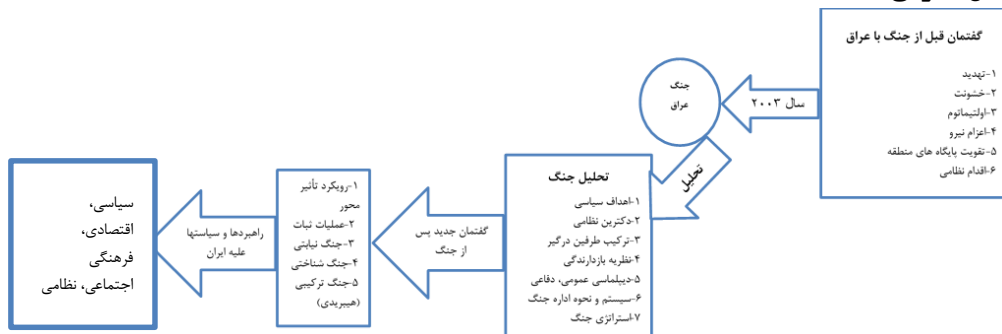
۵- عملیات نظامی آمریکا در صحنه اشغال عراق آن چنان خشن و رسواکننده بود که «عبدالباسط ترکی» وزیر حقوق بشر عراق که با تائید آمریکایی ها وزیر شده بود، در ژانویه ۲۰۰۴ در جلسه کمیسیون عالی حقوق بشر آشکارا نیروهای آمریکایی را به خاطر نقض گسترده حقوق بشر در عراق به با انتقاد گرفت و خواستار تحقیق در این زمینه گردید.

۶- مهم ترین و بلکه بزرگ ترین اشتباه آمریکا در طراحی اشغال عراق و اساساً طراحی طرح خاورمیانه بزرگ این کشور، نادیده گرفتن و یا ضعیف پنداشتن قدرت، مدیریت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق و منطقه بود که سرانجام به عنوان مهم ترین مانع آمریکا در دستیابی به اهدافش، در عراق نمایان و در تاریخ ثبت شد.

۷- جنگی که هدف آن نمایش قدرت آمریکا بود، بیشتر کاستی های اطلاعات آمریکا، عدم توان دولت آمریکا و محدودیت های نظامی آمریکا را نشان داد. جنگی که هدف آن تقویت رهبری جهانی آمریکا بود، شهرت آمریکا را به قهقرا کشاند. جنگی که هدف آن ایمن تر کردن آمریکا بود، این کشور را ضعیف تر کرد.

۸- پس از اشغال عراق، انحلال ارتش و حزب بعث عراق از سوی آمریکایی ها نشان بارزی از این واقعیت بود که آن ها از اوضاع عراق، شناخت صحیحی ندارند.

مدل مفهومی



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش‌شناسی

نظر به اینکه این پژوهش مورداستفاده تصمیم سازان و تصمیم گیران نظامی قرار می‌گیرد، کاربردی است و از آن جهت که موجب توسعه ادبیات نظریات و دیدگاه‌های (پارادایم) جنگ آینده آمریکا می‌گردد، توسعه‌ای محسوب می‌گردد، لذا تحقیق از نوع کاربردی - توسعه‌ای است. روش تحقیق موردی - زمینه‌ای است و حجم نمونه بر حجم جامعه آماری تحقیق منطبق است. روش نمونه‌گیری به صورت تمام شمار و هدفمند انتخاب شده و حجم نمونه برابر با ۲۰ نفر است. در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات، از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی به صورت هم‌زمان استفاده شده و در ابتدا با استفاده از روش خبرگی و تحلیل تفسیری اسناد موجود، بررسی تطبیقی جنگ‌های آمریکا در عراق ۲۰۰۳، در دو مقطع زمانی قبل و بعد از آن بررسی و برای دستیابی به نظرات و دیدگاه‌های (پارادایم) آمریکا با استفاده از آمار و پارامترهای توصیفی (آزمون کای دو) به تأیید عوامل احصاء شده اقدام گردیده است. سایر داده‌های کیفی جمع‌آوری شده از طریق تحلیل محتوا و جلسات خبرگی و نخبگی و مصاحبه‌های عمیق ساختاریافته مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

به منظور اطمینان از روایی، ضمن مشورت با اساتید، صاحب‌نظران، خبرگان و کارشناسان متخصص مرتبط؛ پس از حصول اجماع نسبی نظرات، از میان ده‌ها سؤال متناظر حاصل از یافته‌های مطالعات نظری و سؤالات بسته، تعدادی سؤال در قالب پرسشنامه برای توزیع میان جامعه آماری تنظیم و طراحی گردید.

ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان

جایگاه شغلی جامعه آماری شامل ۱۰ درصد جایگاه سپهبدی و هم‌تراز کشوری، ۴۰ درصد جایگاه سرلشکری و هم‌تراز کشوری، ۵۰ درصد جایگاه سرتیپی و هم‌تراز کشوری دارا بوده‌اند. ۸۵ درصد پاسخگویان جامعه آماری دارای مدرک تحصیلی دکتری و ۱۵ درصد دانشجوی دکتری می‌باشند. ۷۵ درصد پاسخگویان جامعه آماری دارای سنوات خدمت در مشاغل راهبردی بیش از ۳۰ سال هستند و ۲۵ درصد بین ۲۱ تا ۳۰ سال دارای سابقه خدمت در مشاغل راهبردی هستند. ۵۰ درصد پاسخگویان جامعه آماری در سطح خیلی زیاد و ۵۰ درصد در سطح زیاد با مسائل دفاعی آشنایی دارند که این موضوع میزان دقت و اطمینان پاسخ‌ها را ارتقاء داده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

با توجه به ادبیات و مصاحبه با جامعه خبرگی مؤلفه و گویه‌های شناسایی شده در حمله آمریکا به افغانستان در سطح راهبردی ارائه شد.

جدول ۱: تحلیل حمله آمریکا به عراق در سطح راهبردی

اهداف سیاسی	دکترین نظامی	ترکیب طرفین درگیر	سیستم و نحوه اداره جنگ	استراتژی جنگ	دیپلماسی عمومی، دفاعی	ارزیابی نتایج
- تلاش برای تحقق هژمونی نفتی آمریکا.	دکترین جنگ پیشگیرانه	در این جنگ تعداد ۲۵۵/۰۰۰ نفر از آمریکا، انگلیس، سال ۲۰۰۲ (متأثر) از شرایط پس از واقعه ۱۱ سپتامبر)	جنگ در ۳۵ ساعت دقیقه بامداد ۲۰ مارس ۲۰۰۳ با ۴۰ پروتابل فرزند موشک از نوع تام هاوک که به وسیله ماهواره هدایت می‌شدند. آغاز شد.	دکترین امنیت ملی "جورج واکر بوش" بلافاصله پس از حادثه ۱۱ سپتامبر شکل گرفت. وی این دکترین را در دو مرحله زیر اعلام داشت:	- کویت: آمریکا امکانات مورد نیاز برای استقرار یک ارتش کامل را در این کشور فراهم کرد. به حدی نیرو و تجهیزات در کویت مستقر شده بود که گویا، کشور کویت به اشغال نیروهای بیگانه درآمده است.	- تلاش برای تحقق هژمونی نفتی آمریکا. - ساقط کردن نظامی که از مدت‌ها پیش، از نفوذ مستقیم آن‌ها خارج شده بود. - رسانیدن پیامی ملموس به دیگر کشورهای پیمای آمریکا سرکش و خارج از قانون. - جلوگیری از ظهور و نیز کنترل قدرت‌های رقیب در صحنه سیاست بین‌الملل با اتکا بر رویکرد "نظامی محور" - آزاد نمودن آمریکا از تعهدات حقوق بین‌الملل: با توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل عرفی به گونه مدرن و عینیت یافتن آن در قالب منشور سازمان ملل متحد، استفاده از زور بانام حق ذاتی دفاع از خود، در ماده ۵۱ منشور ملل متحد با قید شرایطی تجویز شده است. این جنگ در واقع قدرت عمل و توانایی ابتکار حقوقی دولت آمریکا را در توجیه حقوقی
- تلاش برای تحقق هژمونی نفتی آمریکا. - ساقط کردن نظامی که از مدت‌ها پیش، از نفوذ مستقیم آن‌ها خارج شده بود. - رسانیدن پیامی گویا و ملموس به دیگر کشورهای پیمای آمریکا سرکش و خارج از قانون. - جلوگیری از ظهور و نیز کنترل قدرت‌های رقیب در صحنه سیاست بین‌الملل با اتکا بر رویکرد "نظامی محور" - آزاد نمودن آمریکا از تعهدات حقوق بین‌الملل: با توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل عرفی به گونه مدرن و عینیت یافتن آن در قالب منشور سازمان ملل متحد، استفاده از زور بانام حق ذاتی دفاع از خود، در ماده ۵۱ منشور ملل متحد با قید شرایطی تجویز شده است. این جنگ در واقع قدرت عمل و توانایی ابتکار حقوقی دولت آمریکا را در توجیه حقوقی	دکترین جنگ پیشگیرانه در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا که از سوی بوش در سال ۲۰۰۲ (متأثر) از شرایط پس از واقعه ۱۱ سپتامبر) ارائه شده، ادعا شده که در جهان امروز، واقعیت‌های جدیدی مطرح است که عبارت‌اند از: - قدرت نظامی برتر آمریکا. - سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم بر اساس این واقعیت‌های جدید، یک سیاست جدید به نام سیاست "پیشگیری" ارائه شده است که به معنای "استفاده از نیروهای نظامی برای جلوگیری از دستیابی یک	در این جنگ تعداد ۲۵۵/۰۰۰ نفر از آمریکا، انگلیس، سال ۲۰۰۲ (متأثر) از شرایط پس از واقعه ۱۱ سپتامبر) ارائه شده، ادعا شده که در جهان امروز، واقعیت‌های جدیدی مطرح است که عبارت‌اند از: - قدرت نظامی برتر آمریکا. - سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم بر اساس این واقعیت‌های جدید، یک سیاست جدید به نام سیاست "پیشگیری" ارائه شده است که به معنای "استفاده از نیروهای نظامی برای جلوگیری از دستیابی یک	جنگ در ۳۵ ساعت دقیقه بامداد ۲۰ مارس ۲۰۰۳ با ۴۰ پروتابل فرزند موشک از نوع تام هاوک که به وسیله ماهواره هدایت می‌شدند. آغاز شد. نیروهای انگلیسی و استرالیایی عملیات خود را در جنوب و نزدیک مرزهای کویت متمرکز و ضمن اقدام به محاصره بصره، تلاش کردند به بندر ام القصر و فاو تسلط پیدا	دکترین امنیت ملی "جورج واکر بوش" بلافاصله پس از حادثه ۱۱ سپتامبر شکل گرفت. وی این دکترین را در دو مرحله زیر اعلام داشت: - بار اول در تاریخ ۲۰ سپتامبر (درست ۱۰ روز پس از حادثه ۱۱ سپتامبر) که طی آن اظهار داشت: "هر کشوری در هر منطقه‌ای، اکنون باید تصمیم خود را بگیرد، یا با ما هستد یا با تروریست‌ها، از امروز هر کشوری که به تروریسم پناه دهد و یا از آن حمایت کند، از سوی آمریکا به عنوان یک رژیم متخاصم شناخته خواهد شد." - بار دوم در تاریخ ۱۱ دسامبر	- کویت: آمریکا امکانات مورد نیاز برای استقرار یک ارتش کامل را در این کشور فراهم کرد. به حدی نیرو و تجهیزات در کویت مستقر شده بود که گویا، کشور کویت به اشغال نیروهای بیگانه درآمده است. - عربستان: علی‌رغم آن‌که مقامات عربستان در دیپلماسی آشکار، دائماً از عدم همکاری نظامی با آمریکا سخن می‌گفتند، اما در این کشور نیز زیرساخت یک لشکر از نیروهای فرا منطقه‌ای مستقر بود.	- تلاش برای تحقق هژمونی نفتی آمریکا. - ساقط کردن نظامی که از مدت‌ها پیش، از نفوذ مستقیم آن‌ها خارج شده بود. - رسانیدن پیامی گویا و ملموس به دیگر کشورهای پیمای آمریکا سرکش و خارج از قانون. - جلوگیری از ظهور و نیز کنترل قدرت‌های رقیب در صحنه سیاست بین‌الملل با اتکا بر رویکرد "نظامی محور" - آزاد نمودن آمریکا از تعهدات حقوق بین‌الملل: با توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل عرفی به گونه مدرن و عینیت یافتن آن در قالب منشور سازمان ملل متحد، استفاده از زور بانام حق ذاتی دفاع از خود، در ماده ۵۱ منشور ملل متحد با قید شرایطی تجویز شده است. این جنگ در واقع قدرت عمل و توانایی ابتکار حقوقی دولت آمریکا را در توجیه حقوقی

اهداف سیاسی	دکترین نظامی	ترکیب طرفین درگیر	سیستم و نحوه اداره جنگ	استراتژی جنگ	دیپلماسی عمومی، دفاعی	ارزیابی نتایج
بانام حق ذاتی دفاع از خود، در ماده ۵۱ منشور ملل متحد با قید شرایطی تجویز شده است. این جنگ در واقع قدرت عمل و توانایی ابتکار حقوقی دولت آمریکا را در توجیه حقوقی رفتار خود در عرصه روابط بین الملل و در چارچوب توسل به زور، بر اساس دکترین حملات پیش دستی کننده فزونی بخشید.	کشور متخاصم به سلاح‌های کشتار جمعی، یا پناه دادن به تروریست‌هاست. "بعدها بوش اعلام کرد که آمریکا راهبرد نظامی خود را از "بازدارندگی" که در جنگ سرد مرسوم بود به "اقدام پیشگیرانه" علیه تروریست‌هایی که به دنبال جنگ‌افزارهای کشتار جمعی هستند، تبدیل می‌کند.	۸۴۵ فروند هواپیما بود که ۲۸۸ فروند آن‌ها بر روی ناوهای هواپیما بر مستقر بودند. این کشور دارای ۲۳۱ فروند بالگرد بود که ۱۲۷ فروند آن‌ها بر روی ناوهای جنگی استقرار داشتند. کشور انگلستان نیز دارای ۹۱ فروند هواپیما و ۴۷ فروند بالگرد بود. سایر کشورهای غربی نیز در آن مقطع، دارای ۱۲ فروند هواپیما و ۵۴ فروند بالگرد مختلف بودند.	کنند. در روز ۲۱ مارس ارتش آمریکا تهاجم هوایی به بغداد را آغاز کرد. در این عملیات قسمت‌هایی از بغداد شامل مراکز حکومتی، قصرهای صدام و مراکز فرماندهی و کنترل، تخریب شدند. در این حمله ۱۳۰۰ فروند موشک و بمب بر بغداد فروریخته شد. حرکت جدیدی انجام نداده بود که آمریکا تصمیم به حذف او گرفته باشد. لذا این موضوع بر اساس یک نوسازی سیاسی عمومی‌تر در خاورمیانه بود.	سال ۲۰۰۱ (۲۱) آذرماه ۱۳۸۰ در مراسم گرامیداشت این حادثه در ستاد فرماندهی دانشکده نظامی چارلستون در کارولینای جنوبی، در مورد مرحله بعدی مبارزه با تروریسم در استراتژی سیاست خارجی و دفاعی آمریکا چنین گفت: "جلوگیری از دستیابی و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی، اولویت بعدی ما در جنگ علیه تروریسم است، دولت‌هایی که این اصول را نقض کنند، به‌عنوان رژیم‌های متخاصم تلقی خواهند شد." استراتژی آمریکا، استراتژی ابتکاری بود نه انفعالی. یعنی صدام، حرکت جدیدی انجام نداده بود که آمریکا تصمیم به حذف او گرفته باشد. لذا این موضوع بر اساس یک نوسازی سیاسی عمومی‌تر در خاورمیانه بود.	پایان جنگ، ابهام وجود داشت، اما در جریان جنگ ناگهان باقیمانده لشکر ۸۲ هوارد آمریکا وارد این کشور شده و پایگاه‌های اج ۱، اج ۲، اج ۳ را اشغال کرد. - ترکیه: اجازه عملیات از خاک این کشور جهت حمله از جبهه شمال به عراق داده شد. - عربستان، ترکیه و اردن با انتقال نیروهای عمده از مرز کشور خود با عراق مخالفت نموده‌اند. - پایگاه الدوحه قطر، شاهزاده سلطان عربستان، السیب عمان، علی السالم کویت ملطیه و اینچلیک ترکیه.	رفتار خود در عرصه روابط بین‌الملل و در چارچوب توسل به زور، بر اساس دکترین حملات پیش دستی کننده فزونی بخشید. - حفظ امنیت رژیم - فشار بر سوریه - اهداف قطع حمایت از حزب‌الله لبنان و سازمان‌های فلسطینی. - کامل نمودن محاصره سیاسی و نظامی ایران و فشار جهت خودداری از حمایت سازمان‌های فلسطینی. - شکل‌دهی ژئوپلیتیک آینده خاورمیانه.

همچنین با استفاده از جدول فوق ۹ گویه که شامل مهم ترین اهداف آمریکا از حمله به عراق احصاء و در اختیار جامعه آماری قرار گرفت تا میزان موافقت خود را با آن‌ها بر اساس طیف لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) بیان نمایند که نتایج حاصل به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول ۲: نظر جامعه آماری در خصوص اهداف آمریکا در حمله به عراق

ردیف	شاخص	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
P10	رسانیدن پیامی گویا و ملموس به دیگر کشورهای به تعبیر آمریکا سرکش و خارج از قانون.	۹	۴۵	۷	۳۵	۰	۰	۴	۲۰
P11	آزاد نمودن آمریکا از تعهدات حقوق بین‌الملل	۱۲	۶۰	۴	۲۰	۲	۱۰	۲	۱۰
P12	شناسایی قدرت برتر رژیم صهیونیستی در جهان اسلام و حفظ امنیت رژیم صهیونیستی در برابر خطر احتمالی تهاجم موشکی عراق.	۱۰	۵۰	۶	۳۰	۴	۲۰	۰	۰
P13	تلاش برای تحقق هژمونی آمریکا	۱۰	۵۰	۵	۲۵	۳	۱۵	۲	۱۰
P14	ساقط کردن نظامی (رژیم بعث) که از مدت‌ها پیش، از نفوذ مستقیم آن‌ها خارج شده بود.	۱۲	۶۰	۵	۲۵	۱	۵	۲	۱۰
P15	جلوگیری از ظهور و نیز کنترل قدرت‌های رقیب در صحنه سیاست بین‌الملل با اتکا بر رویکرد "نظامی محور"	۱۳	۶۵	۳	۱۵	۱	۵	۳	۱۵
P16	کامل نمودن محاصره سیاسی و نظامی ایران و فشار جهت خودداری از حمایت محور مقاومت	۱۰	۵۰	۶	۳۰	۱	۵	۳	۱۵
P17	جنگ عراق مناسب‌ترین راه برای عملیاتی کردن این هدف بود که از طریق تسلط بر خاورمیانه به تنها ابرقدرت جهانی تبدیل شود	۱۰	۵۰	۵	۲۵	۴	۲۰	۱	۵

همان‌طور که از جدول فوق مشخص است همه گویه‌ها مورد تأیید جامعه آماری قرار گرفته‌اند. برای تعیین اولویت و رتبه‌بندی شاخص‌های (عوامل) احصاء شده از منظر خبرگان، از روش آماری رتبه‌بندی فریدمن در سطح اطمینان ۹۵ درصد استفاده شده است. اولویت‌بندی تأثیرگذاری شاخص‌ها (عوامل) بر اساس نتایج حاصل از آزمون فریدمن در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: رتبه‌بندی شاخص‌های اهداف آمریکا از حمله به عراق

ردیف	شاخص‌های اهداف آمریکا از حمله به افغانستان	نمره فریدمن	رتبه
1	ساقط کردن نظامی (رژیم بعث) که از مدت‌ها پیش، از نفوذ مستقیم آن‌ها خارج شده بود.	4.98	1
2	آزاد نمودن آمریکا از تعهدات حقوق بین‌الملل	4.80	2
3	شناسایی قدرت برتر رژیم صهیونیستی در جهان اسلام و حفظ امنیت رژیم صهیونیستی در برابر خطر احتمالی تهاجم موشکی عراق.	4.80	3
4	جلوگیری از ظهور و نیز کنترل قدرت‌های رقیب در صحنه سیاست بین‌الملل با اتکا بر رویکرد "نظامی محور"	4.80	4
5	جنگ عراق مناسب‌ترین راه برای عملیاتی کردن این هدف بود که از طریق تسلط بر خاورمیانه به تنها ابرقدرت جهانی تبدیل شود	4.40	5
6	تلاش برای تحقق هژمونی آمریکا	4.20	6
7	کامل نمودن محاصره سیاسی و نظامی ایران و فشار جهت خودداری از حمایت محور مقاومت	4.20	7
8	رسانیدن پیامی گویا و ملموس به دیگر کشورهای منطقه (به تعبیر آمریکا سرکش و خارج از قانون).	3.83	8

با توجه به مقادیر محاسبه‌شده از بین ۸ شاخص احصاء شده در جدول فوق، شاخص «ساقط کردن نظامی (رژیم بعث) که از مدت‌ها پیش، از نفوذ مستقیم آن‌ها خارج شده بود» با نمره فریدمن ۴/۹۸ در اولویت اول و شاخص «رسانیدن پیامی گویا و ملموس به دیگر کشورهای به تعبیر آمریکا سرکش و خارج از قانون» با نمره فریدمن ۳/۸۳، کمترین اولویت را در اهداف آمریکا در حمله به عراق دارند.

همچنین برای آزمون فرضیه H_0 پژوهش از آزمون میانگین تک نمونه‌ای t-test استفاده شده است. در آزمون T تک نمونه‌ای به دنبال اثبات فرض‌های H_0 یا H_1 به شرح زیر می‌پردازیم:

H_0 = میانگین متغیر «حمله آمریکا به عراق در سطح راهبردی»، برابر ۳ می‌باشد.

H_1 = میانگین متغیر «حمله آمریکا به عراق در سطح راهبردی»، برابر ۳ نمی‌باشد.

$$H_0: \mu = 3$$

$$H_1: \mu \neq 3$$

جدول ۴: آزمون t-test تک نمونه‌ای برای متغیر اهداف آمریکا در حمله به عراق

نام متغیر	مشاهدات	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف معیار	آماره تی	احتمال
حمله آمریکا به عراق	۲۰	۴.۲۶	۰.۰۴	۰.۱۹	۲۸.۷۱	۰.۰۰۰

با توجه به احتمال به دست آمده (۰) که از سطح خطای ۰,۰۵ کوچک‌تر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که میانگین متغیر «حمله آمریکا به عراق در سطح راهبردی» به صورت معنی‌داری از عدد ۳ بزرگ‌تر است. در نتیجه متغیر «اهداف حمله آمریکا به عراق در سطح راهبردی» از نظر پاسخ‌دهندگان از شاخصه‌ها و گویه‌های مناسبی بهره برده و در مجموع پاسخ‌دهندگان با مناسب بودن گویه‌های استفاده شده موافق می‌باشند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف - نتیجه‌گیری:

بر اساس یافته‌های تحقیق اهداف راهبردی آمریکا از حمله به عراق به ترتیب اولویت به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- ساقط کردن نظامی (رژیم بعث) که از مدت‌ها پیش، از نفوذ مستقیم آن‌ها خارج شده بود.
 - ۲- آزاد نمودن آمریکا از تعهدات حقوق بین‌الملل.
 - ۳- شناسایی قدرت برتر رژیم صهیونیستی در جهان اسلام و حفظ امنیت رژیم صهیونیستی در برابر خطر احتمالی تهاجم موشکی عراق.
 - ۴- جلوگیری از ظهور و نیز کنترل قدرت‌های رقیب در صحنه سیاست بین‌الملل با اتکا بر رویکرد "نظامی محور".
 - ۵- جنگ عراق مناسب‌ترین راه برای عملیاتی کردن این هدف بود که از طریق تسلط بر خاورمیانه به تنها ابرقدرت جهانی تبدیل شود.
 - ۶- تلاش برای تحقق هژمونی آمریکا.
 - ۷- کامل نمودن محاصره سیاسی و نظامی ایران و فشار جهت خودداری از حمایت محور مقاومت.
 - ۸- رسانیدن پیامی گویا و ملموس به دیگر کشورهای منطقه.
- همچنین در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا که از سوی بوش در سال ۲۰۰۲ (متأثر از شرایط پس از واقعه ۱۱ سپتامبر) ارائه شد، ادعا شده که آن زمان، واقعیت‌های جدیدی مطرح است که عبارت‌اند از:

- قدرت نظامی برتر آمریکا.

- سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم.

بر اساس این واقعیت‌های جدید، یک سیاست جدید به نام سیاست «پیشگیری» ارائه شده است که به معنای استفاده از نیروهای نظامی برای جلوگیری از دستیابی یک کشور متخاصم به سلاح‌های کشتار جمعی، یا پناه دادن به تروریست‌هاست. بعداً بوش اعلام کرد که آمریکا راهبرد نظامی خود را از «بازدارندگی» که در جنگ سرد مرسوم بود به «اقدام پیشگیرانه»: علیه تروریست‌هایی که به دنبال جنگ‌افزارهای کشتار جمعی هستند، تبدیل می‌کند.

پیامدها و نتایج حاصله

۱- طی عملیات اشغال عراق، بیش از ۴۴۱۵ نفر آمریکائی، ۱۷۹ نفر انگلیسی و بیش از صد هزار غیرنظامی عراقی کشته شدند و صدها عملیات چریکی علیه نیروهای اشغالگر صورت گرفت. برخلاف تصور اولیه آمریکائی‌ها، کسی در عراق برای آن‌ها فرش قرمز پهن نکرد. نیروهای اشغالگر آمریکایی با صرف حدود یک تریلیون دلار هزینه عملیات اشغال، خاک عراق را ترک نمودند.

۲- شکست آمریکا در عراق این کشور را با بدترین وضعیت اقتصادی از ۱۳۳۹، از جمله کاهش شدید نرخ اشتغال، افزایش کسری بودجه، رشد بالای بدهی و رکود اقتصادی و سقوط مراکز مالی و اقتصادی کشور که در سپتامبر ۲۰۰۷ جلوه‌ای فزاینده یافت، روبرو گردید، به گونه‌ای که بسیاری از آمریکایی‌ها معتقدند، آنچه آمریکا در دوران جنگ سرد کسب کرده بود، حمله آمریکا به عراق و شکست در این کشور، آن‌ها را از دست داد.

۳- به دنبال اشغال نظامی عراق، ضعف شدید مدیریتی آمریکایی‌ها و تعارض رفتار آن‌ها با آنچه آمریکایی‌ها اعلام کرده بودند که برای گسترش حقوق بشر و دموکراسی به عراق می‌آیند، باعث شد که ساختار امنیتی و دفاعی این کشور از بین برود؛ ناامنی، وحشت، ترس، اضطراب و بی‌ثباتی، بر بسیاری از شهرهای عراق حاکم شد.

۴- افزون بر آن، پیامدهای زیست‌محیطی استفاده از اورانیوم رقیق شده که نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد توزیع اورانیوم، به میزان چشمگیری در خاک عراق رخ داده است، بسیار وحشتناک است. علاوه بر بکارگیری سلاح‌های ممنوعه علیه غیرنظامیان، از جمله به‌کارگیری «فسفر سفید»، «اورانیوم رقیق شده» و «بمب خوشه‌ای»، تخریب آثار فرهنگی و میراث باستانی عراق به صورت بسیار گسترده و برای از بین بردن غرور ملی یک کشور، واقعیت تلخی است که در عراق تحت اشغال دولت آمریکا اتفاق افتاد.

۵- عملیات نظامی آمریکا در صحنه اشغال عراق آن‌چنان خشن و رسواکننده بود که «عبدالباسط ترکی» وزیر حقوق بشر عراق که با تأیید آمریکایی‌ها وزیر شده بود، در ژانویه ۲۰۰۴ در جلسه کمیسیون عالی حقوق بشر آشکارا نیروهای آمریکایی را به خاطر نقض گسترده حقوق بشر در عراق به با انتقاد گرفت و خواستار تحقیق در این زمینه گردید.

۶- مهم‌ترین و بلکه بزرگ‌ترین اشتباه آمریکا در طراحی اشغال عراق و اساساً طراحی طرح خاورمیانه بزرگ این کشور، نادیده گرفتن و یا ضعیف پنداشتن قدرت، مدیریت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق و منطقه بود که سرانجام به‌عنوان مهم‌ترین مانع آمریکا در دستیابی به اهدافش، در عراق نمایان و در تاریخ ثبت شد.

۷- جنگی که هدف آن نمایش قدرت آمریکا بود، بیشتر کاستی‌های اطلاعات آمریکا، عدم توان دولت آمریکا و محدودیت‌های نظامی آمریکا را نشان داد. جنگی که هدف آن تقویت رهبری جهانی آمریکا بود، شهرت آمریکا را به قهقرا کشاند. جنگی که هدف آن ایمن‌تر کردن آمریکا بود، این کشور را ضعیف‌تر کرد.

۸- پس از اشغال عراق، انحلال ارتش و حزب بعث عراق از سوی آمریکایی‌ها نشان بارزی از این واقعیت بود که آن‌ها از اوضاع عراق، شناخت صحیحی ندارند.

ب- پیشنهادها:

- ۱- با عنایت به بررسی نحوه و شیوه جنگ آمریکا در عراق طراحان دفاعی کشور بایستی اهتمام لازم را در خصوص الگوی رفتاری دشمن در جنگ آینده با ایران داشته باشند.
- ۲- طراحان دفاعی کشور نسبت به تقویت قوت‌ها و فرصت‌ها نسبت به ارتقاء قدرت دفاعی کشور در مقابل جنگ آینده با آمریکا داشته باشند.
- ۳- با توجه به ترکیبی بودن جنگ در حال و آینده لازم است دکترین دفاعی امنیتی کشور در مؤلفه‌های قدرت ملی توسط شورای عالی امنیت ملی تدوین گردد.
- ۴- به دلیل اینکه جنگ آینده به‌صورت نیابتی یا ائتلافی خواهد بود طراحان دفاعی کشور باید طرح‌های مقابله‌ای را بر اساس سناریوهای تهدید تهیه نمایند.

فهرست منابع

- "قرآن کریم"

- امام خمینی (رحمت الله علیه)، *صحیفه نور*- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، *"مجموعه بیانات"*- *"قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"***الف- منابع فارسی:**

- ابراهیمی فر، طاهره (۱۳۸۲)، *"راهبرد بازدارندگی امریکا در عراق"*، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه
- اطاعت، جواد و جهانیان، شهاب (۱۳۸۷)، *"دلایل و روند تهاجم نظامی آمریکا به عراق"*، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۷ و ۲۴۸، تهران
- افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱)، *"ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"*، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دوره عالی جنگ
- باقرپور اردکانی، عباس (۱۳۸۲)، *"بررسی مشروعیت حمله نظامی امریکا به عراق در پرتو قطعنامه"*، گزیده تحولات جهان، سال اول، شماره ۱۴
- خادم حسینی، احمد و خوشدل امامی، محسن (۱۳۹۱)، *"نقش عوامل محیط داخلی در اعمال جنگ پیشگیرانه آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳"*، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت نظامی، تهران
- دانشجویان دوره‌های شانزدهم دفاع ملی و دوم سیاست دفاعی دانشکده دفاع ملی (۱۳۹۱)، *"نقد و بررسی دکتترین جنگ پیشگیرانه و احتمال اعمال آن علیه ج.ا.ا (مطالعه موردی افغانستان و عراق)"*، دانشگاه عالی دفاع ملی
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۷)، *"ژئوپلیتیک منطقه‌ی خلیج فارس - با تأکید بر شیعیان"*، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- سلیمی، حسین (۱۳۸۸)، *"آسیای جنوب غربی به عنوان یک منطقه؟ تحلیل قابلیت اطلاق منطقه به آسیای جنوب غربی"*، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره دوم، تهران
- صفوی، سیدحیی (۱۳۸۱)، *"مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران"*، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، جلد اول، چاپ دوم
- کیاپاشا، ابوطالب و مهرابی، حسین (۱۳۹۲)، *"مطالعه تطبیقی جنگ‌های اخیر آمریکا شامل جنگ سال ۱۹۹۱ علیه عراق، جنگ در یوگسلاوی سابق، جنگ علیه افغانستان و جنگ سال ۲۰۰۳ علیه عراق و تعیین الگوی رفتاری دشمن"*، پروژه تحقیقاتی، تهران، معاونت عملیات ستاد فرماندهی کل سپاه
- معاونت اطلاعات سپاه (۱۳۹۱)، *"برآورد اطلاعات راهبردی آمریکا"*، تهران
- معاونت اطلاعات راهبردی سپاه (۱۳۹۶)، *"برآورد اطلاعات راهبردی عراق"*، تهران
- معاونت اطلاعات راهبردی سپاه (۱۳۹۷)، *"کتاب پایه عراق"*، تهران

ب- منابع انگلیسی:

- Gustavsson, J. 1999, How Should We Study Foreign Policy Change? *Cooperation and Conflict*, 34-1, pp. 73-95.